

ارائه سناریوهای استعاره «خانه» در سبک نوین زندگی شهری مبتنی بر روش CLA*

عاطفه صداقتی*

فرید دیبا**

عبدالهادی دانشپور***

آزیتا بلالی اسکویی****

چکیده

«خانه» به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی سبک زندگی شهری از دیرباز توسط پژوهشگران مختلف لحاظ شده است، اما استعاره «خانه» و تغییرات آن در انطباق با سبک نوین زندگی شهری، مسئله‌ای است که با وجود اهمیت، پژوهش‌چندانی در مورد آن، انجام نشده است. ما ایرانیان هنوز در کنار سبک نوین زندگی شهری، عناصر و دل‌بستگی‌هایی به سبک سنتی زندگی داشته و به بسیاری از ارزش‌های سنتی خود پایبندیم. هرچند بدیهی است که تقلید از گذشته به اندازه ریشه‌کن کردن آن بیهوده خواهد بود. به نظر می‌رسد باید به منظور حفظ و ماندگاری انگاره‌های مسکن (خانه) ایرانی، قبل از ورود به آینده، سناریوهای محتمل بر مبنای استعاره‌های مختلف از خانه را شناسایی کرده و نگاشت مناسبی از ادبیات موضوع در کنار شالوده‌شکنی و جستجوی ژرف‌تر مسئله انجام داد. پژوهش حاضر با رویکرد آینده‌نگرانه با روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها (CLA) در چهار لایه تحلیل شامل لیتانی، علل کلان اجتماعی، گفتمان/جهان‌بینی و اسطوره/استعاره،

* «این مقاله، مستخرج از دروس دکتری شهرسازی اسلامی، در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، انجام یافته است.»

** دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران
a.sedaghati@tabriziau.ac.ir

*** دکتری آینده‌پژوهی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران
adineh@ut.ac.ir

**** دانشیار گروه شهرسازی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران
daneshpour@iust.ac.ir

***** دانشیار گروه معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز (نویسنده مسئول)
a.oskoyi@tabriziau.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۸/۲۱

فصلنامه راهبرد، سال بیست‌وهشتم، شماره نود، بهار ۱۳۹۸، صص ۸۷-۱۱۸

سعی دارد تا ضمن شناسایی آینده‌های بدیل بر مبنای استعاره‌ها و به تبع آن گفتمان‌های بدیل از «خانه»، سناریونگاری نموده و سناریوهای یکپارچه و متحول بر مبنای استعاره «خانه» در آینده شهرها ارائه دهد. تحلیل لایه‌ای علت‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به منظور شناسایی مضامین اصلی سطوح تحلیل در سطح نخبگان و متخصصان مرتبط با موضوع، به کار گرفته شد. طبق یافته‌ها، چهار سناریو در ارتباط با مفهوم خانه و خلق آینده بدیل ارائه شد که شامل خانه هوشمند، خانه به‌عنوان یک ابر دیجیتال، خانه انسانی و خانه متحرک است.

واژه‌های کلیدی: خانه، سبک نوین زندگی شهری، *CLA*، سناریو

مقدمه

خانه در جامعه سنتی ایران با مفهوم خانواده که واحد بنیادین جامعه است، شکل می‌گیرد. در جامعه‌ای که به شدت متکی به خانواده است، مفهوم خانه بسیار گسترده‌تر از مکان خصوصی محض تلقی می‌شود. در واقع، خانه حریمی مقدس است و ساکنان آن باید از دخالت ناخواسته در امان باشند (سرائی، ۱۳۹۱: ۳۹). هایدگر خانه را به‌عنوان مأمن انسان نام برده و لذا خانه تنها مکانی برای آرمیدن نیست (شصتی و فلامکی، ۱۳۹۳: ۱۱۸). مسکن فراتر از سرپناه بوده و نباید گوشه خلوتی از فضا تلقی شود بلکه باید زندگی در فضا باشد (محمودی، ۱۳۸۹: ۵). این در حالی است که در سبک زندگی معاصر و برنامه‌ریزی مسکن شهری، مسکن صرفاً یک سرپناه گردیده و نسبت به شکل‌گیری محیط زندگی محور یا ابعاد مورد نیاز مسکن در طراحی آن، غفلت می‌شود.

ارزش‌های موجود در سبک زندگی، تغییرات اساسی در اولویت‌های ساخت‌وساز خانه ایجاد کرده‌اند (ولتینگ، ۱۳۹۴: ۹). توجه به سبک زندگی در جامعه ایرانی اخیراً بیشتر مورد توجه قرار گرفته و یکی از دلایل اصلی آن تغییرات مداوم در شیوه‌های عینی زندگی مردم است. این تغییرات در سبک زندگی افراد جامعه، اسباب کنجکاو و بعضاً نگرانی صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران شده است (الفت و سالمی، ۱۳۹۱: ۹). امروزه، هم مفهوم سبک زندگی پررنگ شده است و هم توجه به مصادیق سبک زندگی در زندگی انسان‌ها (که اغلب اطلاعی از مفهوم سبک زندگی نیز ندارند) محوریت یافته است (بیات، ۱۳۹۱: ۴۶). به نظر می‌رسد مفهوم سبک زندگی در ترکیب خود با مفهوم روزمرگی امروز، باید

به گونه‌ای دیگر تفسیر شود. شاید بتوان گفت که سبک زندگی در نهایت نوعی کنترل به‌غایت سرسختانه جامعه بر فرد است که در جامعه مدرن و پسامدرن نه از خلال مدارهای جماعتی، بلکه بر اساس مدارهای اقتصادی و به‌طور خاص مدارهای مصرف تعریف می‌شود. در این تعریف، سبک زندگی در نهایت چیزی نیست جز مجموعه مصارف فرد یا گروه. این مصرف می‌تواند مصرف فرهنگی معنا شود (فکوهی، ۱۳۸۷: ۱۵۰). در این بین، مسکن به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی سبک زندگی قابل طرح و بررسی است.

طرح‌های ساختمانی جدید، تنها راه‌حلی برای پاسخ به نیاز روزافزون مسکن بوده و هیچ رابطه‌ای با گذشته خود ندارند. این ساختمان‌ها در ترکیب با خانه‌های فرسوده شهر، تنها ارمغانش بی‌هویتی فرهنگی و مذهبی بوده است (الهی‌زاده و سیروسی، ۱۳۹۳، ۳۶). در خانه و شهرهای جدید و به عبارتی در زندگی تجدیدزده امروز، ارتباط با طبیعت به حداقل رسیده، حریم‌ها شکسته شده است؛ مجال خلوت و تفکر و مجال دیدار با میهمان و همسایگان تنگ شده است. محله‌های امروز، نه مکانی برای وقوع دیدار هستند و نه مکانی برای خلوت و تأمل؛ از این‌رو، هیچ صورتی از حضور را در خود نمی‌پذیرند. بی‌شک بدون حضور، تعلقی نیز در کار نخواهد بود. این در حالی است که خانه سنتی ایرانی، امکان انواع چهارگانه ارتباط انسان با خود، با خدا، با طبیعت و با دیگران را که مقدمه شناخت و احراز هویت است، فراهم می‌نمود (طباطبایی لطفی، ۱۳۹۲: ۳۸). از این منظر، خانه، در دوران تاریخی مختلف با تغییراتی که برآمده از نیازهای خاص مردم بوده، مصادیق عینی متفاوتی یافته؛ لیکن تغییرات دهه‌های اخیر سرمنشأ آگاهانه و منطقی نداشته و با تقلید کورکورانه به سمت مقصدی نگران‌کننده پیش رفته است. با مرور زمان، در سبک نوین زندگی شهری، زبان غیرمعمارانه در اکثریت آن‌ها حاکم شده به‌گونه‌ای که در فضای خانه‌های معاصر که وارد می‌شویم، گم نمی‌شویم؛ اما نمی‌توانیم خودمان و فضای خودمان را پیدا کنیم. تقریباً به یک‌باره همه آنچه فضاهای خانه معاصر را شکل می‌دهد، عیان می‌شود (علی‌الحسابی و کرانی، ۱۳۹۲: ۲۵ و ۲۳). با توسعه شهرنشینی، خانه بسیاری از کارکردهای قدیمی

خود را ازدست داده و بیش از آنکه خانه استعاره‌ای از شهر باشد، بیانگر و توصیف واقعیت است؛ افراد در خانه‌ای مجازی رشد می‌کنند نه خانه واقعی (فاضلی، ۱۳۸۶: ۳۸). اگر خانه با شیوه زندگی و سبک زندگی افراد منطبق نباشد، مردم به‌ناچار یا بخشی از سبک زندگی خود را تغییر می‌دهند یا به‌سختی آن را تأمین می‌کنند، لذا گزینه‌های افراد را محدود می‌سازد (بیودولف، ۱۳۹۲: ۱۵). در نتیجه تغییر سبک زندگی، جنبه‌های مختلف شامل آداب سکونت را تحت تأثیر قرار داده و مفهوم و استعاره از خانه را دگرگون ساخته است. اما برنامه‌ریزان، طراحان و معماران شهری باید بر این تغییرات مسلط بوده و توان اندیشیدن و حفظ ارزش‌های انسانی، فرهنگی و معماری را به‌منظور شکل‌دهی به الگوی مسکن مناسب، داشته باشند.

هیچ‌یک از ما نمی‌تواند آینده را ببیند، اما به‌کاربردن رویکردهای آینده‌پژوهانه و سناریونویسی قطعاً به آماده‌سازی ما برای آنچه در آینده نهفته است، کمک می‌کند (شوئنکر و وولف، ۱۳۹۳: ۲۳۲). آینده، ترس‌ها، برنامه‌ها، مسئولیت‌ها، اهداف و آرزوها را دربر می‌گیرد (زیاری و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۵). در همین راستا، پژوهش حاضر با هدف شناسایی آینده‌های بدیل بر مبنای استعاره‌های مختلف از خانه در سبک نوین زندگی شهری، انجام شده است. هدف، شناسایی عوامل شکل‌دهنده به آینده و نه پیش‌بینی آینده با توجه به پیچیدگی‌ها، عدم قطعیت‌ها و آشوبناک‌بودن رویدادهای آینده است. لذا سعی دارد که ایجاد آینده‌های بدیل را از طریق معرفی استعاره‌های جدید به‌عنوان زیربنایی‌ترین لایه، پیشنهاد نماید. در همین راستا، بر مبنای استعاره‌ها از «خانه»، گفتمان‌های جدید شکل خواهند گرفت و مسیر رویدادها و روندهای آینده به‌گونه‌ای دلخواه و مطلوب، امکان تعدیل و تغییر خواهند داشت. پرسش اصلی تحقیق این است که چه استعاره‌هایی از «خانه» در سبک نوین زندگی شهری وجود دارد و سناریوهای محتمل آن برای آینده‌های بدیل کدامند؟

۱. مروری بر ادبیات پژوهش

۱-۱. مفهوم خانه^۱

خانه^(۱) از دیدگاه اقتصادی نوعی «کالا»، از دیدگاه هنری «نماد»، از دیدگاه جامعه‌شناسانه «نهاد»، از دیدگاه مهندسی و معماری «بنا»، از دیدگاه شهرسازی «فضا» و از دیدگاه انسان‌شناختی نوعی «فرهنگ» است (فاضلی، ۱۳۸۶: ۲۷). خانه در فرهنگ معماری ایران، عمدتاً به صورت حیاط مرکزی است که با فضاهای دور بسته می‌شود (سرائی، ۱۳۹۱: ۲۶). مسکن^(۲) در عین اینکه فضایی خصوصی قلمداد می‌شود، اما چهره‌های عمومی از خود به نمایش می‌گذارد. این در حالی است که امروزه مسکن بیشتر به یک سرپناه صرف تنزل یافته است و تولید محیط‌های زندگی محور مورد غفلت قرار گرفته است. عوامل مختلفی سبب چنین رویدادی است که از آن جمله تغییرات جمعیتی، نوسانات بازار مسکن، شرایط استخدامی و کار، الگوهای سکونت، مصرف‌گرایی و ارزش‌های فردی قابل‌ذکر است. به تعبیر پیرنیا، خانه جایی است که ساکنانش احساس ناراحتی نکنند و اندرون خانه باید تنوع زیادی داشته باشد تا خستگی احساس نشود (پیرنیا، ۱۳۷۲: ۱۵۴). خانه مکانی برای «شدن» است و نه «بودن» صرف. یعنی خانه همچون ساکن، رشد می‌کند، شخصیت می‌یابد و این‌گونه در پیوند عمیق با ساکن قرار می‌گیرد (کریمی، ۱۳۹۶: ۳۳).

خانه نزدیک‌ترین فضای مرتبط با انسان است و انسان نخستین تجربه رابطه خود با دیگران را در آن می‌آزماید (سرائی، ۱۳۹۱: ۲۵). خانه موضوعی آشنا است که بشر با آن رابطه‌ای طولانی و گسترده دارد (آصفی و ایمانی، ۱۳۹۵: ۵۹). تاریخ، فرهنگ و زندگی روزمره ما، هم‌زمان در خانه و مسکن به هم گره خورده‌اند. چنان‌که مسکن تنها برای بقا و زنده‌ماندن نیست و الزامات و اقتضائات خود را به تمامیت هستی و شیوه زندگی انسان تحمیل نموده است. در عین حال، در دوره‌های مختلف تحول تاریخ جامعه انسانی، در نتیجه رشد و توسعه تکنولوژی، افزایش جمعیت، توسعه فکری و معنوی انسان و ظهور نظام‌های معنایی و اعتقادی، تحول

ساختار خانواده، پیدایش شکل‌های پیچیده‌تر اجتماع انسانی به صورت روستا و شهر و تحولات دیگر، انسان ناگزیر از ابداع الگوهای متفاوت و تازه‌تر خانه شده است. در هر دوره تاریخی، مفهوم و فرم خانه متناسب با شرایطی که انسان در آن قرار داشته است، تغییر کرده است. در عین حال، خانه را باید بیش از هر چیز «برساخته» یا «سازه‌ای اجتماعی و فرهنگی» دانست نه صرفاً سازه‌ای از مواد و مصالح چوب و سنگ. از این روست که فرهنگ‌های مختلف الگوهای فرهنگی متفاوتی از مفهوم و فرم خانه و مسکن ایجاد کرده‌اند. این همه در حالی است که فرایند شهرنشینی مدرن الگوی اجتماعی متفاوتی از نظر مسکن و خانه‌سازی پیش روی انسان مدرن و انسان معاصر قرار داد. تحولات مدرنیته و تأثیرات آن بر الگوی سکونت آدمی، تنها محدود به بعد کمی و افزایش جمعیت و در نتیجه افزایش خانه‌ها و سکونتگاه‌های آدمی نبود، بلکه مهم‌تر از آن مدرنیته و فرایندهایش، کیفیت خانه و مسکن انسان مدرن را به شدت متأثر ساخت. در این شرایط نسبت بین خانه و فرهنگ را گونه‌ای دیگر باید دید. البته نمی‌توان سنت و مدرنیته را به صورت مطلق در تقابل دید، زیرا تفکیک دقیق چیزها، امری بسیار دشوار است. در واقعیت همواره طیفی از سنت و مدرنیته وجود دارد؛ در عین حال همیشه، شیوه‌های زندگی در عصر خود داعیه امروزی و نو بودن داشته‌اند، درست همان‌طور که امروز ما شیوه زندگی خود را، نو می‌پنداریم (فاضلی، ۱۳۸۶: ۲۶).

۱-۲. سبک زندگی شهری

سبک زندگی،^۱ عمری به‌اندازه قدمت فرهنگ‌ها و تمدن دارد (زرهانی، ۱۳۹۳: ۸) و غالباً به روش زندگی اتخاذشده به وسیله یک فرد، گروه، ملت یا کشورهای مشترک‌المنافع گفته می‌شود (بندکیتز، ۱۳۹۲: ۲۰۱). گیدنز سبک زندگی را مجموعه‌ای کم‌وبیش جامع از عملکردها تعبیر می‌کند که فرد آن‌ها را به کار می‌گیرد؛ چون نه فقط نیازهای او را تأمین می‌کند، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است، در برابر دیگران متجسم می‌سازد (Giddens, 1995:81). سبک زندگی افراد یک جامعه، تأثیر مستقیم بر طراحی

مسکن دارد و افراد خانه‌هایی را بیشتر طلب می‌کنند که منطبق بر سبک زندگی خاص ایشان باشد. خانه در وجه نخست یک‌نهاد است و نه یک سازه و این نهاد برای مقاصد بسیار پیچیده‌ای به وجود آمده است. از آنجاکه احداث یک خانه پدیده‌ای فرهنگی به شمار می‌آید، شکل و سازمان فضایی آن به شدت تحت تأثیر فرهنگ و سبک زندگی است که بدان تعلق دارد.

دست کم دو برداشت از سبک زندگی وجود دارد، در روایت نخست سبک زندگی معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و شاخصی برای تعیین طبقه اجتماعی است. در روایت دوم، سبک زندگی شکل اجتماعی نوینی تلقی می‌شود که فقط در متن تغییرات فرهنگی مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌یابد (کاظمی، ۱۳۹۲ و فاضلی، ۱۳۸۰). در معنای دوم، سبک زندگی با مصرف و تمایز مرتبط است. از یک سو، مصرف از دهه ۱۹۷۰ شاخصی مهم برای فهم دنیای مدرن شده است و از سوی دیگر، مصرف حداقل در شکلی که در جوامع مدرن غربی متجلی است، ایجادکننده تمایز بین سبک‌های زندگی است. سبک زندگی به‌اختصار، الگو یا مجموعه نظام‌مند کنش‌های مرجح معرفی می‌شود (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۶: ۲۲۸). مفهوم سبک محدود به هم‌زمانی یا مکان نیست، بلکه شامل سازوکارهای متحول‌شده در گذر زمان در مورد چگونگی درک زندگی مطلوب بر اساس تغییر اعتقادات، ارزش‌ها و تصورات در بستری مفروض و همچنین چگونگی استفاده از آن به‌عنوان چشم‌اندازی به‌سوی آینده است (بندکیتز، ۱۳۹۲: ۲۰۱). این در حالی است که با آغاز هزاره سوم و رشد روزافزون علم و فناوری و گسترش ارتباطات، تحولات گوناگونی در سطح زندگی روزمره رخ داده و شیوه زندگی مردم، نیازها و متعاقب آن کالبد و محیط‌زیست آن‌ها تغییر کرده است (اهری و دیگران، ۱۳۶۷: ۶).

ابن‌خلدون، سبک زندگی شهری را برای رسیدن به آسایش می‌داند و آن را به کمال رسیدن نقایصی که در سبک زندگی بادیه‌نشینی وجود دارد، دانسته است. در این سبک زندگی، تمایل به صنعت و یادگیری، اثرپذیری از دین و کاهش عصیت، قابل‌ذکر است (رحمانی‌فیروزجاه و سهرابی، ۱۳۹۰: ۲۷).

سبک زندگی در جامعه ایرانی، از سال‌های آغازین دهه هشتاد شمسی مورد توجه قرار گرفت، درحالی‌که از اوایل دهه بیستم میلادی در غرب مطرح است. اصل بحث سبک‌شناسی مربوط به دوره معاصر است. در واقع، سبک زندگی حاصل دوران مدرنیسم است. سبک زندگی هویت‌ساز و حاصل انتخاب و گزینشگری است که البته انتخاب مهم‌ترین مقوله‌ای است که سبک زندگی را از مفاهیم مشابه مثل روش زندگی و فرهنگ متمایز می‌سازد (رضوی طوسی و شعبانی اصل، ۱۳۹۱: ۱۸۶ و ۱۸۵ و الفت و سالمی، ۱۳۹۱: ۱۲ و ۳۶).

۳-۱. سبک نوین زندگی شهری

در اوایل قرن بیستم اندیشمندان به این نتیجه رسیدند که ایده مارکس مبنی بر قشربندی جامعه بر اساس طبقه (مبتنی بر روابط اقتصادی)، قدرت توضیح کلیه تحولات اجتماعی و رفتارهای انسان‌ها را ندارد. ویر منزلت اجتماعی را به‌عنوان شاخص قشربندی جامعه، جایگزین طبقه معرفی کرد. به‌مرور، به‌جای تولید، آن‌گونه که مارکس معتقد بود، مصرف مبنای شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی محسوب می‌شد. در سال‌های بعد، صاحب‌نظران مفهوم سبک زندگی را از طبقه و روابط اقتصادی زیر سؤال بردند. در حال حاضر برخی از اندیشمندان معتقدند که در وضعیت «مدرن»، سبک زندگی حداقل تا حدی از طبقه اقتصادی مستقل است. با بالا رفتن سطح رفاه عمومی، گستره مطالعات سبک زندگی علاوه‌بر مبحث نیازهای اولیه بر جنبه‌های ذهنی و نیازهای ثانویه مانند روابط انسانی، نگرش‌ها و گرایش‌ها (از جمله اوقات فراغت) نیز کشیده شد (افت و سالمی، ۱۳۹۱: ۱۵-۱۲). هم‌زمان با ورود مدرنیته و آغاز دوران تأثیرپذیری از اروپا، ارزش‌های نوینی در نظام معماری و شهرسازی ایران شکل گرفت. تغییر ارزش‌های موجود در راستای تغییر تدریجی نیازهای مردم به وجود آمد. اما مدرنیته فرصت نیافت تا به‌صورت تدریجی و در مسیری آرام برای گذار از سنت به تجدد گام بردارد، لذا نمونه‌هایی به تقلید در کشور به‌عنوان مسکن ایجاد شد که سنخیتی با فرهنگ و ارزش‌های زیستی مردم نداشت و در واقع یک شکاف عمیق به وقوع پیوست. شکافی که چالش گذار از سنت (خانه) به مدرنیته (مسکن) را دربر می‌گیرد

(سرائی، ۱۳۹۱: ۳۷-۳۶). در ایران با شروع عصر سرمایه‌داری و تغییر سبک تولید و معیشت، خانه‌ها کم‌کم از حالت افقی به عمودی و از حالت حیاط‌دار به مجتمع‌های مسکونی و آپارتمانی درآمدند (علی‌الحسابی و کرانی، ۱۳۹۲: ۲۸). اجزای مسکن مدرن در قالب پنج بخش خوابیدن، تفریح، خوردن، پخت‌وپز و کار دیده شده و دسترسی خانه به فرصت‌های شغلی، ملاقات با دوستان، دسترسی به مراکز گذران اوقات فراغت، دسترسی به مراکز آموزشی، پارک‌ها و مراکز آموزشی و دسترسی به مراکز خرید برای آن ضروری است (پورمحمدی، ۱۳۹۳: ۴).

۴-۱. خانه در دنیای مدرن

در طراحی خانه‌های معاصر، در نظر داشتن واقعیت‌های اقتصادی-اجتماعی با تأثیر مستقیمی که بر زندگی پایدار دارند، ضروری است. عمده‌ترین آن‌ها، دگرگونی خانواده است. برای مثال آمار نشان می‌دهد که والدین مجرد، افراد مجرد و سالمندان، نسبت به نیم‌قرن پیش، درصد بیشتری از جمعیت را تشکیل می‌دهند. اگر به دنبال خلق جوامع پایدار هستیم، معرفی مفاهیم کاربردی به‌منظور طراحی، که متناسب با روش‌های جدید زندگی و روند جمعیتی معاصر باشد، ضروری است (فریدمن، ۱۳۹۶: ۴۳). برمن^۱ به‌درستی بر این نکته تأکید می‌کند که «مدرن بودن یعنی زیستن یک زندگی سرشار از معما و تناقض؛ یعنی غالباً تخریب اجتماعات و ارزش‌ها به‌جای کنترل آن‌ها. جنگیدن به‌قصد تغییر جهان و تصاحب آن» و اما پسامدرن به تعبیر لیوتار^۲ در همان خط و روندی که برمن دیده است، «به انسان‌هایی مربوط می‌شود که قدرت آن‌ها هرچه بیشتر توسعه می‌یابد و درعین حال ناچار به بندگی و اطاعت هرچه بیشتر هستند». مدرنیته و در تداوم آن پسامدرنیته با ایجاد سوژه عامل و با قرارداد او در موقعیتی ولو شکننده اما تأثیرگذار، فرایندی دوجانبه از اسارت/ قدرت را به وجود آوردند که هرچند موقعیتی بسیار خطرناک و گاه حتی ناامیدکننده است، اما درعین حال پتانسیل‌های زیادی را نیز دارد (فکوهی، ۱۳۸۷: ۱۴۵-۱۴۴). متأسفانه در زندگی امروز، نوعی

1. Berman

2. Lyotard

تحول و انفصال در جسم و جان معماری خانه‌ها پدید آمده که پیوستگی و ژرف معنایی حیات را خدشه‌دار کرده و روح زندگی جاری در خانه را متلاطم ساخته است (کریمی، ۱۳۹۵: ۹۹). در واقع، خانه‌ای که تعادل خود را به واسطه حرکت‌های اجتماعی - فرهنگی حفظ کرده بود، ناچار از قبول یک حرکت جدید و غیرمترقبه بود (فوشانی و دولت‌آبادی، ۱۳۹۶: ۲). جدول شماره ۱، عوامل تأثیرگذار و نحوه تأثیر آن را در مفهوم خانه در دنیای مدرن نشان می‌دهد.

جدول ۱. خانه در دنیای مدرن - عوامل تأثیرگذار و نحوه تأثیر

عامل تأثیرگذار	نحوه تأثیر
زمان: تغییر و تحول مفاهیم در گذر زمان - تغییر نیاز انسان در گذر زمان	با تغییر نیازهای انسان با توجه به شرایط زمانی، مفهوم «خانه» و مسکن در حال تغییر است. نوع الگوی خانه، شرایط و تجهیزات آن و ... امکان تغییر در گذر زمان دارند.
تاریخ: مفهومی انتزاعی که هم گذشته را دربر دارد و هم بررسی وقایع گذشته و مطالعه آن را دربر دارد. مجموعه عوامل فرهنگی، طبیعی، اجتماعی، ... و رویدادهایی است که در گذشته و در زمان و مکان زندگی انسان‌ها رخ داده است.	تاریخ گذشته مسکن و خانه بر مفهوم آن تأثیرگذار است. تأویل و فهم «خانه» در مجموعه عوامل تأثیرگذار نهفته در تاریخ مدنظر قرار دارد. انقطاع مفهوم خانه به لحاظ تاریخی به اندازه تقلید صرف و انتقال آن به آینده، مورد نکوهش قرار دارد.
اقلیم: اثرات پدیده تغییر اقلیم، دگرگونی‌های اقلیمی	احتمال تغییر مفهوم خانه و مسکن همساز با تغییرات اقلیمی. تأثیر تغییرات اقلیم بر شکل‌دهی خانه و سکونت‌گاه‌های شهری (مثلاً وضعیت تجمع یا پراکندگی).
فرهنگ: هم‌جواری فرهنگ‌ها در حال شکل‌گیری است. پدیده یکنواختی و همگن‌سازی فرهنگ.	مفهوم خانه برای انسان، آن مفهوم سنتی را ندارد. فرهنگ معماری بومی در ساخت خانه فراموش می‌شود. در معرض خطر قرار گرفتن فرهنگ خانه‌سازی. الگوی مسکن و شکل مسکن به تبع تغییر فرهنگ و سبک زندگی در حال تغییر است.
هویت: ظهور هویت‌های چندگانه.	عدم حفظ سبک‌های محلی معماری و خانه‌سازی.
اقتصاد: اقتصاد مبتنی بر اطلاعات. از بین رفتن کارخانه‌ها و افزایش کارهای الکترونیک (دگرگون شدن خصلت واقعی کار) - وضعیت اقتصادی حاکم و وضعیت بازار. نرخ سرمایه‌گذاری در بازار مسکن.	از بین رفتن زمان و مکان. انتقال مسائل کاری به درون خانه‌ها. امکان انجام کار، یادگیری، خرید و درمان از راه دور و در خانه. در بیشتر اوقات فرم خانه را وضعیت اقتصادی تعیین می‌کند. احتمال تنگنایی قدرت خرید خانوار.
جمعیت: میزان جمعیت خود عاملی مهم در روند توسعه مسکن و مفهوم آن خواهد بود.	افزایش و به‌طور کلی میزان جمعیت خود بر مفهوم، الگو، شکل و توسعه مسکن مؤثر است. چون مسکن نیاز اساسی و حق همه افراد است.
سازمان فضایی: تداخل عملکردها روی داده است. حریم‌ها از بین می‌رود و سلسله‌مراتب کم‌رنگ می‌شود.	قلمروهای گوناگون در شهر و از شهر تا خانه در یکدیگر تداخل کرده‌اند، لذا فضای بینابینی و مقیاسی از بین رفته‌اند. مثلاً یک خانه مستقیم به یک بزرگراه اتصال می‌یابد. خانه خود نیز هیچ قلمرو و سازمان فضایی ندارد.
تکنولوژی: مجازی‌سازی - شکل‌گیری عناصر	بازتعریف مرزهای سنتی کار و خانه. جابه‌جایی بسیاری از

<p>مکان‌های فیزیکی با فضاهای مجازی. تزلزل مفهوم مکان و حس تعلق. فرم خانه به جزئی از یک‌روند توسعه تدریجی تبدیل می‌شود. جایگذاری عناصر مدرن در بنای خانه- تجهیزات پیشرفت در خانه کمک به افزایش یادگیری در محیط خانه- کاهش مصرف انرژی- کنترل انرژی</p>	<p>مدرن- پیشرفته‌شدن تجهیزات خانه</p>
<p>استفاده از فناوری به‌عنوان جزء لاینفک در ارتقای کیفیت زندگی. ابعاد خانه کاهش می‌یابد. (رونق خانه‌های مجردی، خانواده‌های بدون فرزند، ...). رنگ باختن زندگی جمعی گذشته در مقابل فردگرایی رایج امروزی.</p>	<p>روابط اجتماعی: انطباق انسان با فناوری در دسترس.</p>
<p>کاهش سیاست‌های تأثیرگذار بر حفظ هویت معماری بومی. بحران هویت.</p>	<p>سیاست: انقلاب دیجیتالی و سیاست جهانی واحد. دولت‌های ملی تنها تأثیرگذار بر زندگی و مسکن مردم نیستند.</p>
<p>هنر معماری روزه‌روز اجزایی کوچک‌تر خواهد داشت و انتظارات از معماران و طراحان واحد مسکونی تغییر خواهد کرد. انتظاراتی که فراتر از تأسیسات مناسب و سازمان فضایی است. استفاده از تکنولوژی پیشرفته در خانه.</p>	<p>ارتباط معمار و خانه: خانه بیش از هر چیز امری خصوصی تلقی شده و به کمک معماران طراحی می‌شود.</p>
<p>ناپدیدشدن نشانه‌های طبیعی در پی توسعه شهر، کم‌رنگ شدن حضور عناصر طبیعی در طراحی خانه‌ها.</p>	<p>ارتباط خانه با طبیعت: تسلط بیشتر بر طبیعت و نادیده‌انگاشتن آن.</p>

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷

(بر اساس: علی‌الحسابی و کرانی، ۱۳۹۲: ۳۳-۳۰ و فکوهی، ۱۳۸۷: ۱۴۳ و ۱۷۱ و رایپورت، ۱۳۸۸: ۷۰-۳۹ و قربانی و یزدان‌پور، ۱۳۹۲: ۶ و محمودی مهمان‌دوست، ۱۳۹۵: ۱۰۴ و ۱۰۵ و Intille, 2002: 76-81 و ضمیری و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۹).

مفهوم خانه و مسکن در سبک نوین زندگی شهری متحول شده و هر روزه مفهومی نوین می‌یابد. گاهی در عمل در حد یک سرپناه تنزل یافته و گاهی در مبانی نظری فراتر از یک سرپناه بوده و برای آن روح و احساس در نظر می‌گیرند. این‌همه یعنی اینکه خانه به یک مفهوم در حال تحول و گذار مبدل شده است. این در حالی است که خانه‌های سنتی در ایران در برقراری ارتباط مناسب با سبک زندگی ایرانی به نظر موفق بوده و در پی این امر، کیفیت محیط‌های مسکونی مضاعف بوده است. سبک نوین زندگی شهری، از عادت‌ها و رویه‌های ثابت و نامنعطفی که سنت به آن دیکته می‌کند، رها است و خود ویژگی برگزیدن و انتخاب‌گری، حالتی نسبی و منعطف به آن می‌بخشد. در سبک نوین زندگی شهری، مسکن لزوماً خانه نیست و بیشتر یک فضای خصوصی است که فرد آن را تجربه می‌کند. در چنین اندیشه‌ای، این پژوهش به دنبال ارائه آینده‌های بدیل در سبک نوین زندگی شهری از طریق ارائه استعاره‌ها و به تبع آن گفتمان‌های بدیل از

مفهوم خانه است.

در ارتباط با مفهوم خانه و مسکن شهری، به چندین پژوهش می‌توان اشاره کرد:

فاضلی (۱۳۸۶) در پژوهشی در واری مفهوم خانه روستایی با توجه به پرسش‌های آموس راپوپورت، ضمن آنکه مطالعه خود را در گفتمان انسان‌شناسی فضا می‌داند، در عین حال آن را در زمره حوزه مستقلی به نام «مردم‌نگاری خانه» در نظر می‌گیرد. از لحاظ روش‌شناختی، وی بیش از هر چیز بر مشاهدات و تجربیات زیسته خود تکیه کرده و سعی بر ارائه توصیف و تحلیلی غنی و پرمایه از مفهوم خانه در بستر تحولات کنونی دارد. طبق نتایج فاضلی، دیگر نمی‌توان با رویکردهای کلاسیک که روستا را مقرر سنت و شهر را مقرر مدرنیته می‌دانستند، به مطالعه پرداخت. به باور وی، نوعی مدرنیته روستایی- ایرانی شکل گرفته است.

سرائی (۱۳۹۱) تطور سکونت شهری از مجموعه‌های فامیلی تا بلوک‌های آپارتمانی را مبنای پژوهش خود قرار داده است. تحقیق در پی برجسته‌نمودن تفاوت ماهوی خانه و مسکن است. وی اشاره می‌کند که مسکن امروزی حاصل کاهش تدریجی هویت و عملکرد خانه‌های سنتی است که نتوانسته برای عناصر کالبدی آن جایگزینی بیابد و الگویی عاریتی و تک‌عملکردی برای سکونت و به عبارتی صرفاً یک خوابگاه شده است.

الهی‌زاده و سیروسی (۱۳۹۳) در مقاله «الگوسازی مسکن بر پایه سبک زندگی اسلامی»، ویژگی‌های اصلی معماری ایرانی- اسلامی در خانه‌های سنتی را، درون‌گرایی، ارتباط، طبیعت و وسعت ذکر کرده و اذعان می‌دارند با توجه به نیازهای کنونی، باید خانه منطبق با ارزش‌های الهی و نیازهای روز جامعه باشد.

آصفی و ایمانی (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «بازتعریف الگوهای طراحی مسکن مطلوب ایرانی- اسلامی معاصر با ارزیابی کیفی خانه‌های سنتی»، اشاره می‌کند که خانه‌های سنتی ایران همواره توانسته‌اند با برقراری ارتباطی شایسته با سبک زندگی و شرایط اجتماعی زمان خود از مطلوبیت بالایی برخوردار باشند. ایشان در پی شناسایی پارامترهای چنین مطلوبیتی و معیارهایی جهت

تدوین راهکارهای مؤثر برای افزایش کیفیت مسکن معاصر بوده‌اند. طبق نتایج ایشان، رابطه معناداری بین کیفیت خانه‌های سنتی، انسان، معماری و سبک زندگی گذشته وجود دارد که از سنت‌ها و ارزش‌های اصیل سرچشمه می‌گیرد. همچنین، انطباق خانه، مسکن و محیط مسکونی با سبک زندگی، از مهم‌ترین معیارهای مطلوبیت کیفیت شناسایی شده است و لذا بایستی در خانه معاصر جایی داشته باشد تا خانه معاصر نیز بازنمود آرامش واقعی برای انسان باشد.

محمودی مهماندوست (۱۳۹۵) معتقد است که خانه، خانواده و زندگی جاری در پیوند با هم قرار دارند چیزی که با رسوخ اندیشه مدرن در مفاهیم عمیق و سنتی زندگی، کمتر یافت می‌شود. هدف وی بررسی مفاهیم سکونت در معماری خانه‌های سنتی ایران و مقایسه با مفاهیم زندگی مدرن است. وی نتیجه می‌گیرد با تعمق در روش زندگی و توجه به سازوکار سکونت اسلامی می‌توان با اصلاح اصول معماری و شهرسازی، موجبات احیای مجدد مفاهیم سکونت اسلامی را در مسکن امروز فراهم آورد.

نقی‌زاده (۱۳۹۵) مبانی نظری مسکن اسلامی در گذشته و حال را بررسی نموده و اشاره می‌کند که اصلی‌ترین موضوع، سکونت است که شرایط آن عبارتند از ویژگی طبیعی تنظیم شرایط محیطی، دسترسی به امکانات و امنیت. امروز نسبت به گذشته، فرم‌ها و فضاهای زیستی کاملاً دگرگون شده‌اند. وی توصیه‌هایی برای مسکن و توسعه آن ارائه می‌دهد، درعین حال اذعان می‌دارد که نباید مصادیق مناسب و مطلوب تاریخی را به‌عنوان الگوی ثابت برای همه دوران‌ها و همه سرزمین‌ها و همه انسان‌ها قابل تسری و تکرار دانست. در همین زمینه، الفت و سالمی (۱۳۹۱) در پژوهش خود بر ریشه‌شناسی مفهوم سبک زندگی و مبانی نظری آن پرداخته‌اند. همچنین حسین‌پور و همکاران (۱۳۹۶) راهکارهایی در جهت تداوم سبک زندگی اسلامی در جامعه ایرانی ارائه می‌دهند.

این در حالی است که هیچ‌کدام از پژوهش‌های بالا به مفهوم دقیق «خانه» در سبک نوین زندگی شهری نپرداخته‌اند. بیشتر معماری سنتی از مفهوم خانه استنباط شده و سعی در ارتباط معماری معاصر با معماری سنتی دارند. به نظر می‌رسد در

این زمینه یک خلأ جدی وجود دارد و آن اینکه دقیقاً «خانه» در سبک نوین زندگی چه مفهومی است. بدیهی است که در سبک نوین زندگی شهری قرار داریم و صرف مطالعه گذشته و راهکارگزینی برای تسری آن به حال و آینده نمی‌تواند پاسخگو باشد و لذا ضرورت دارد با نگاهی به آینده‌های بدیل، مفهوم عمیق‌تری از استعاره خانه در نظر گرفته شود. در این پژوهش با اتخاذ رویکردی آینده‌نگرانه و به‌طور خاص تحلیل لایه‌ای علت‌ها، این امکان فراهم خواهد شد تا ابتدا واقعیت موجود درخصوص «مسکن»، لایه به لایه مورد تحلیل قرار گیرد و سپس برای ساخت واقعیت‌های بدیل، از عمیق‌ترین لایه یعنی «اسطوره/ استعاره»، واقعیت‌های بدیل معرفی شوند.^(۳) در خاتمه بر مبنای استعاره‌ها، سناریوها نگاشته خواهند شد.

۲. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها (CLA) در تلفیق با سناریونویسی انجام شده است. روش CLA در رده روش‌های کیفی با رویکرد اکتشافی قلمداد می‌شود. مبنای نگارش سناریوهای بدیل، استعاره‌ها خواهند بود. معمولاً اکثر روش‌های آینده‌پژوهی در سطحی‌ترین لایه‌ها باقی مانده و کمتر به عمق پدیده‌ها نفوذ می‌کند. کاربرد روش CLA بیشتر این است که با ایجاد فضاهای دگرگون‌شونده، زمینه لازم برای خلق آینده‌های بدیل را فراهم می‌نماید (خزائی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۳ و ۸۸). تحلیل لایه‌ای علت‌ها باعث می‌شود از چارچوب‌های متعارف صورت‌بندی مسائل خارج شده و تحلیل در لایه‌های بیشتری مدنظر قرار گیرد.

۲-۱. لایه‌های اصلی تحلیل در CLA و نگارش سناریو

تحلیل لایه‌ای علت‌ها در چهار لایه اصلی صورت می‌گیرد. لایه لیتانی،^۱ سطحی‌ترین لایه بوده و معرف دیدگاه رسمی و پذیرفته‌شده از واقعیت است. در این سطح، روندهای کمی و مشکلات، غالباً به‌صورت مبالغه‌آمیز معرفی می‌شوند.

سطح دوم، لایه مربوط به دلایل اجتماعی شامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و عوامل تاریخی است. در این سطح، داده‌های سطح لیتانی توضیح داده شده و مورد سؤال قرار می‌گیرند. سطح عمیق‌تر سوم، با ساختارها و گفتمان/جهان‌بینی^۱ که آن را حمایت می‌کند، ارتباط دارد. در این سطح، شالوده‌های نمایش سطح لیتانی مورد نقد و پرسش قرار می‌گیرند. سطح چهارم، تحلیل استعاره^۲ و اسطوره‌ها^۳ است. این سطح متشکل از داستان‌ها و روایت‌های عمیق، آرشیو قدیمی الگوها، ابعاد ناخودآگاه مسئله و اغلب انگیزشی یا متناقض‌نما است (مثلاً نگرش غیرآماری به جمعیت، اجتماع به جای جمعیت یا مردم را منابع خلاق دیدن). (Inayatullah, 2004: 8 / 1998: 820 / خزائی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۲-۹۰). پس‌ازاینکه نگارندگان بر مبنای مصاحبه‌های انجام گرفته و استعاره‌های بیان‌شده، اقدام به نگارش سناریوها کردند، برای اعتبار بیشتر به سناریوها، مجدداً سناریوها را به مصاحبه‌شوندگان ارائه نموده و تعدیلاتی در آنها اعمال کردند.

۲-۲. جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

با اذعان به این مطلب که تجربه‌های کارشناسی در آینده‌پژوهی کاربرد فراوان دارند (معصومی اشکوری، ۱۳۸۹: ۱۰۲)، جامعه آماری این پژوهش، شامل نخبگان و متخصصان امور شهری در حوزه مسکن و برنامه‌ریزی مسکن شهری ایران مطابق جدول شماره ۲ هستند. در این پژوهش از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته برای دستیابی به داده‌های اولیه، استفاده شده است. پرسش‌های نمونه طراحی شده و سپس مصاحبه‌کننده، بحث را پیرامون این پرسش‌ها به‌صورت منعطف هدایت کرده است. شیوه نمونه‌گیری در پژوهش، نمونه‌گیری نظری با روش گلوله برفی بوده است، نحوه انتخاب افراد بر اساس تخصص در امور شهری و شناخت از سیر روند قدیم تا به حال مسکن شهری در ایران بوده است. برای گردآوری اطلاعات،

1. structure and the discourse/worldview

۲. استعاره معمولاً به بیانی اطلاق می‌شود که در آن، یک حوزه معنایی یا مفهومی، از طریق حوزه معنایی یا مفهومی دیگر، درک و تجربه می‌شود. استعاره‌ها که زمانی به‌عنوان زینت سخن، تلقی می‌شدند، امروزه ابزار و به یک اعتبار، سازوکار تفکر و شناخت به‌حساب می‌آیند (کرامت‌الله‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۲).

3. metaphor or myth

پژوهشگران با افرادی تماس برقرار کرده‌اند که در زمینه موضوع بحث یا جنبه‌های آن دارای اطلاعاتی باشند (تعامل با افراد مطلع) و سپس بر اساس معرفی مصاحبه‌شوندگان اولیه به مصاحبه‌شوندگان بعدی مراجعه شده و این روند ادامه یافته است. تحلیل لایه‌ای علت‌ها CLA، با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته تا مرحله اشباع نظری و شناسایی مضامین اصلی سطوح تحلیل به کار گرفته شد. یعنی جریان مصاحبه با متخصصان تا زمان تکراری شدن پاسخ‌ها و نبود داده‌های تازه اجرا شد. فرایند نمونه‌گیری تا زمان اشباع مفهومی ادامه یافت. ملاک حجم نمونه را کفایت تئوریک و اشباع نظری موضوع، تعیین نموده است (حجم نهایی نمونه، مطابق جدول شماره ۲ است). مقبولیت داده‌ها (قابل پذیرش بودن داده‌ها- جمع‌آوری داده‌های حقیقی) با انواعی از روش‌ها بررسی شد؛ بررسی مداوم، تحلیل هم‌زمان داده‌ها و بازخورد به مصاحبه‌شوندگان، تخصیص زمان کافی، انتخاب مطلعان اصلی و بازنگری ناظری، بدین منظور انجام شد. در ارتباط با اعتبار و اعتماد داده‌ها، داده‌های این مطالعه با شرکت‌کنندگان، همکاران و متخصصان حوزه مورد بررسی قرار گرفت. همچنین اطلاعاتی از مصاحبه، به‌طور هم‌زمان با استفاده از روش مقایسه‌ای مداوم، تجزیه و تحلیل شد.

جدول ۲. تخصص‌های مصاحبه‌شوندگان

حوزه تخصصی	شهرسازی	برنامه‌ریزی شهری	معماری	فناوری معماری
تعداد	۵	۳	۴	۳

۳. یافته‌های تحقیق

۳-۱. کاربرد روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها در واکاوی مفهوم خانه متناسب با سبک

نوین زندگی

چهار لایه تحلیل در روش CLA، قابل بررسی و تحلیل هستند. طبق مطالعات صورت گرفته پیرامون موضوع پژوهش و نتایج مصاحبه‌ها، در لایه نخست و در ارتباط با مسائل مشهود مفهوم «خانه» در سبک نوین زندگی شهری، آنچه مورد اجماع است، تغییر بسیار این مفهوم در سبک نوین زندگی شهری است. تبدیل خانه به آپارتمان، مجتمع‌های بلند مسکونی و دیگر اشکال، نشان از تغییر بسیار در

مفهوم خانه دارد. اطلاعات و داده‌های کمی و کیفی بسیاری در دسترس قرار دارد که نشانگر تحولی بنیادین و اساسی در خصیصه‌های مسکن شهری هستند و از حیث تجربی نیز می‌توان آن‌ها را تأیید کرد. اینکه چرا چنین تحولی ایجاد شده است و چه عواملی در بروز آن مؤثر بوده‌اند، اساساً ناظر به لایه اجتماعی است. در لایه دوم، دامنه تأثیر و روابط عناصر تشکیل‌دهنده مفهوم خانه در سبک نوین زندگی شهری، گسترش و توسعه یافته‌اند. در پاسخ به این پرسش که چگونه مفهوم خانه متناسب با سبک نوین زندگی شهری تغییر کرد و عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، قانونی و کالبدی- فیزیکی، چگونه باعث این تغییر مفهومی شدند، زمینه‌های مفهومی این عوامل معرفی می‌شوند. تغییر مفهومی خانه، به‌عنوان یک کالای اقتصادی، حاصل فرصت‌شناسی و تلاش برای تعمیق این فرصت‌ها برای بیشینه‌سازی صرفه‌های اقتصادی و پاسخ به نیازهای اجتماعی- فرهنگی- کالبدی است که به موازات این تغییر مفهومی، بسترهای بروز خود را نیافته‌اند. لذا محدودیت‌های فیزیکی، اجتماعی، فرهنگی و ... در توسعه مفهومی خانه، به‌صورت بارزی به چشم می‌خورد. جدول شماره ۳، عوامل کلان و مسائل زمینه‌ای تغییر مفهوم خانه را در سبک نوین زندگی شهری نشان می‌دهد.

جدول ۳. عوامل و مسائل مؤثر بر تغییر مفهوم خانه در سبک نوین زندگی شهری

عوامل مؤثر	مسائل زمینه‌ای تغییر مفهوم خانه
اجتماعی- فرهنگی	عدم بسترسازی فرهنگی تبدیل خانه به آپارتمان و زندگی جمعی در مجتمع‌های مسکونی فضاهای مشترک موجود در مجتمع‌های مسکونی نظیر آسانسور، راه‌پله و ... و نبود بستر فرهنگی استفاده از آن کاهش شدید سطح تعاملات اجتماعی همسایگان بسترهای فرهنگی آپارتمان‌نشینی به موازات توسعه این‌گونه سکونت رشد داده نشده‌اند (مثلاً مشکلاتی نظیر محل زباله‌ها، کنترل سروصدا، عدم کنترل نکات امنیتی درب اصلی، رعایت حریم همسایه در اوقات استراحت و ...). کاهش سطح امنیت اجتماعی و تمایل به زندگی در مجتمع‌های آپارتمانی به دلیل وجود سیستم نگهبانی و ... فردگرایی و حس تنوع‌طلبی که افراد را به سمت تعویض راحت یک خانه سوق می‌دهد. با وجود اهمیت بسیار شریعت در شکل‌دادن به مفهوم خانه، از این بعد غفلت شده است و لذا بسیاری از مشکلات به وجود آمده که با فرهنگ ما ناسازگار بوده است، عمق گرفته‌اند.
اقتصادی	تبدیل مفهوم خانه به‌صورت یک کالای اقتصادی (سرمایه‌ای) و درآمدزا و نه به مفهوم مکانی برای آرامش (شرایط ناامن اقتصادی برای سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌ها) به دلیل صرفه‌های اقتصادی، بسیاری از کارکردهای ضروری خانه نظیر پارکینگ حذف

شده‌اند.	
ورود اتومبیل و تغییر شرایط خدمات‌رسانی خانه (با اتومبیل در زمان کمی می‌توان برخی خدمات جانبی خانه را در دسترس سریع قرار داد). فضاهای مسکونی فاقد رنگ است. خانه‌ها یکرنگ با گرایش به رنگ خاکستری شده‌اند. خانه آن‌چنان‌که در رسانه‌های جمعی به تصویر کشیده می‌شود، خود نیز تأثیر زیادی بر اذهان عمومی از مفهوم خانه می‌گذارد. گسترش عمودی خانه‌ها افزایش ارتباطات در دنیای مجازی و ورود آن به فضای خانه	فناوری
تبدیل خانه به آپارتمان و مجتمع‌های بلندمرتبه مجاورت بسیار نزدیک همسایگی‌ها و تداخل حریم‌های شخصی عدم طراحی مناسب فضاهای باهم بودن در مجتمع‌ها و آپارتمان‌های موجود (نظیر هشتی، ورودی، ...) عدم وجود عامل محرmit در طراحی و جایگذاری فضاهای اصلی خانه مثل آشپزخانه، اتاق خواب، سرویس بهداشتی. اشرافیت ساختمان‌ها به هم و عدم رعایت اصل محرmit. حذف برخی فضاهای اصلی خانه نظیر اتاق مهمان و اتاق نشیمن حذف حیاط و کاهش سطح آن عدم رعایت حداقل‌های رعایت عایق‌بندی ساختمان به‌ویژه عایق‌بندی صوتی عدم وجود ضابطه دقیق و یا عدم رعایت ارتفاع مناسب برای پیوستگی خط آسمان	کالبدی- فیزیکی
برخی کارکردهای مهم از خانه حذف شده‌اند: نظیر پارکینگ، حذف کارکردهایی مثل محل بازی کودکان به دلیل عدم وجود فضای مناسب. فشرده‌سازی خانه‌ها و به تبع آن ایجاد کارکردهای جدید نظیر تالارها در شعاع دسترسی خانه‌ها که قبلاً وجود نداشته است. امروزه بسیاری از مراسم خانوادگی یا برگزاری سفره‌های نذری و هیئت‌ها به دلیل کمبود فضا، حذف و یا به مکان جدید انتقال یافته است.	کارکردی- عملکردی
نارسایی قوانین موجود ساخت‌وساز (الزام ۶۰٪ و ۷۰٪ ساخت زمین) عدم انسجام لازم در برخی قوانین نظیر میزان ارتفاع مجاز پنجره‌ها با در نظر گرفتن رعایت اشرافیت و جرائم- نقض قانون اوکابه پنجره‌ها و عدم کفایت آن برای کنترل مبحث محرmit.	قانون‌های مرتبط
عدم رعایت کامل مسائل نوررسانی (بحث سایه‌اندازی و نور)، تهویه هوا و مسائل نظیر در بسیاری از مجتمع‌های بلندمرتبه و آپارتمانی عدم رعایت الزامات اقلیمی در ساخت خانه (خانه در اقلیم سرد با اقلیم گرم مفهوم یکسانی دارد یا تدابیر ساده‌ای چون سایه‌بان و یا سیستم تهویه طبیعی در معماری بنا رعایت نمی‌شود).	اقلیمی و محیط‌زیستی
فروش تراکم ساختمانی عدم اتخاذ سیاست‌های یکپارچه و مستدام	سیاست‌گذاری‌ها

در لایه سوم، بر اساس داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، مبنای فکری مفهوم نوین خانه در سبک نوین زندگی شهری از گفتمان جهانی شدن نشأت می‌گیرد و جهان‌بینی مدرنیته از محتوا و مفهوم خانه در سبک نوین زندگی شهری پشتیبانی می‌نماید. در چنین شرایطی، شیوه نگرش نسبت به مسائل قدیمی و محتوای آن،

باید دگرگون شود. حس تنوع‌طلبی و تلاش برای آنچه به‌روز بودن تلقی می‌شد، انسان را به سمت تغییر مفهومی خانه متناسب با نیازهای معاصرش سوق داد. به دلیل سایه‌اندازی مدرنیته، افراد به دنبال زندگی ماشین‌محور^(۴) رفتند و از مفهوم باهمستان‌های ایرانی فاصله گرفتند. حتی دکوراسیون خانه‌ها، حال و هوای مدرنیته را نشان می‌دهد. تحولات اجتماعی پیش‌گفته در قالب گفتمان تجددگرایی نیز قابل تفسیر است. در سایه این گفتمان، مدرنیسم فرهنگی روی داد و جامعه و اقتصاد ایران را از صورت‌بندی سنتی خود خارج ساخت و به‌صورت مدرنیته و سرمایه‌داری درآورد. فردگرایی و تقویت حریم شخصی نیز تأثیر به‌سزایی بر مفهوم خانه گذاشته است. حتی در نام‌گذاری فضاهای داخلی خانه، این امر مشهود است. در مفهوم سنتی خانه، به اسم هر عضو خانواده، فضایی وجود نداشت و غالباً بر مبنای عملکرد و کارکرد، این تقسیم‌بندی فضا صورت می‌گرفت. اما در مفهوم نوین آن، هر فرد یک فضای کاملاً خصوصی که حتی حداقل مترآژ را داشته باشد، نیاز دارد. فردی که در چنین شرایطی زندگی می‌کند، احتمال اینکه در آینده تمایل داشته باشد در یک فضای خصوصی کوچک بدون خانواده زندگی کند (گرایش به زندگی مجردی یا تک نفره) را متصور می‌سازد. بهترین استعاره‌ها برای توصیف وضع موجود مفهوم مسکن عبارتند از: «فضای بدون روح»، «کالبد بدون روح و معنا» و «خوابگاه فاقد معنا». درعین حال، افراد با وجود اینکه نگاه سرمایه‌ای به خانه دارند؛ اما در تلاش برای دادن هویت خود به مکان هستند. این در حالی است که شرایط مختلف که مهم‌ترین آن اقتصادی است، به انسان این اجازه را نمی‌دهد که همه مشخصه‌های دلخواه خود را در خانه داشته باشد. این امر سبب شده است که این مشخصه‌ها را در ابعاد کوچک و مینیمایز شده در مسکن خود تعبیه کند و درواقع «مسکن خانه‌نما» شاید بهترین استعاره، برای توصیف مسکن موجود شهرهای کنونی باشد. به‌عنوان مثال، در فضای کوچک باغچه (که شاید در بالکن یا در پشت‌بام تعبیه شده باشد) باغبانی می‌کند. از بالکن به‌عنوان حیاط استفاده می‌کند، از آب‌نماها در داخل آپارتمان استفاده می‌کند تا حیاط و ارتباط با طبیعت خانه خود را تأمین کند. درواقع با این تدابیر، فرد سعی

می‌کند ایده‌آل‌های خانه خود را در مسکن وارد کند و آن را به‌گونه‌ای به خانه آرمانی ذهن خود نزدیک سازد. به نظر می‌رسد که عوامل اقتصادی، اجتماعی و مسائل پیش‌گفته، نه‌تنها عامل ایجاد مفهوم جدید خانه، متناسب با سبک نوین زندگی هستند بلکه در ساختار بازتعریف مفهومی خانه نیز نقش دارند یعنی نه‌تنها عامل بلکه جزئی از مسئله هستند. در واکاوی وضع موجود مفهوم خانه، نوعی ناسازگاری و تقابل بین گفتمان سنت‌گرایی و تجددطلبی به چشم می‌خورد که خود مسبب یک اغتشاش محتوایی و مفهومی است.

در لایه چهارم، یک پرسش اصلی مدنظر قرار گرفته است که کدام استعاره‌ها، مفهوم اصلی خانه را شکل می‌دهند؟ پاسخ به این پرسش، ساختارهای ناآگاهانه و روایت‌هایی را که در ناخودآگاه جمعی افراد مسئله‌سازی می‌کنند، کشف خواهد کرد. گردآوری این اطلاعات، زمینه شناسایی آینده‌های بدیل در ارتباط با استعاره‌های خانه در سبک نوین زندگی شهری را مهیا می‌کند. این استعاره‌ها، همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، استعاره‌های بدیل از آینده مفهوم خانه هستند. بر این اساس، فهم استعاره‌ها و اسطوره‌ها نه‌تنها لایه‌های عمیق تمدنی شکل‌دهنده به آینده را آشکار می‌سازد، بلکه با ردیابی عوامل ناخودآگاه و اسطوره، امکان خلق آینده‌هایی متفاوت از وضع موجود را مهیا می‌سازد.

استعاره «شناوربودن» مفهوم خانه، متناسب با تغییرات رایج در سبک زندگی سبب می‌شود که نتوان یک مفهوم مشترک از آن ارائه کرد. بحث فضای مجازی نیز به‌نوبه خود، این موضوع را تقویت کرده است. گروه مجازی در واقع، حکم یک میهمانی خانوادگی را خواهد داشت که یک شیوه رایج معاشرت و خبر گرفتن از یکدیگر، بدون انجام رفت‌وآمد (شیوه‌ی سنتی) شده است. می‌توان گفت در سبک جدید زندگی شهری، تمایل به ارتباط چهره به چهره در سایه زندگی مجازی و دیجیتال، کم شده است. مکالمات، بیشتر از اینکه نیازی به ملاقات حضوری داشته باشند، «متن بنیان»^۱ شده است؛ در همه‌مهمه زندگی پیچیده دنیای معاصر، در این شیوه برقراری ارتباط، فرد در زمان و به‌طور زنده ارتباط برقرار نمی‌کند، بلکه

پیام را منتقل نموده و فرد مقابل در زمانی که فرصت داشته باشد، جواب مناسب را خواهد داد. این در حالی است که تعامل چهره به چهره نیاز به مکان دارد و در حال حاضر، مکان این تعامل به یک فضای مجازی منتقل شده است که هیچ مکان فیزیکی را نیز لازم ندارد. لایه‌های چهارگانه و عناصر کلیدی هر لایه از دیدگاه صاحب‌نظران، در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. لایه‌های چهارگانه روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها از دیدگاه صاحب‌نظران در ارتباط با مفهوم خانه در

سبک نوین زندگی شهری

تغییر مفهوم خانه در سبک نوین زندگی تغییر شکلی خانه به آپارتمان و مجتمع‌های بلندمرتبه تغییر خصیصه‌های اصلی خانه	لایه لیتانی - مسئله مشهود
علت‌های اجتماعی - فرهنگی علت‌های اقتصادی علت‌های فناورانه علت‌های کالبدی - فیزیکی علت‌های کارکردی - عملکردی علت‌های مربوط به نحوه سیاست‌گذاری - قانونی علت‌های اقلیمی - زیست‌محیطی	لایه علل کلان اجتماعی
جهانی‌سازی مدرنیته فردگرایی تنوع‌طلبی شخصی‌سازی	لایه گفتمان / جهان‌بینی
خانه هوشمند خانه به‌عنوان یک ابر دیجیتال خانه انسانی خانه متحرک	لایه استعاره / اسطوره‌ها

۲-۳. سناریونویسی مفهوم خانه در سبک نوین زندگی شهری در تلفیق با روش

تحلیل لایه‌ای علت‌ها

سناریونویسی، چنان بر اهداف آینده‌پژوهی منطبق است که معمولاً به‌عنوان بهترین ابزار آینده‌پژوهی مطرح است.^(۵) در روش سناریونگاری مبتنی بر CL، هر سناریو در واقع معرف یک شیوه متفاوت دانستن آینده است. هر سناریو باید به‌عنوان یک استعاره عمل کند و در واقع میان‌بر یادآوری‌کننده برای ارائه سریع تصویری شهودی از سناریو به افراد باشد و در توصیف منطق اصلی موفق باشد (محمودزاده

و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۳۷). جیمز دیتور معتقد است که چهار الگوی اصلی در نگارش سناریوها وجود دارد:

۱. **رشد مداوم:** بهبود شرایط فعلی، فناوری بیشتر، ... در این سناریوها، فناوری راه حل تمام مسائل فرض می شود.

۲. **فروپاشی:** این آینده، نتیجه شکست رشد مداوم است. تناقضات فراوانی که در اطراف ما وجود دارد، منشأ چنین آینده ای است.

۳. **وضعیت باثبات:** این آینده، گویای توقف رشد و تعادل میان اقتصاد و طبیعت است. در چنین آینده ای، جامعه متعادل تر و عادلانه تر است. این سناریو هم به طبیعت و هم به گذشته برمی گردد. ارزش های انسانی حرف نخست را در آن می زند و به فناوری معمولاً به مثابه یک مشکل نگریسته می شود.

۴. **دگرگونی:** این نوع سناریوها به دنبال تغییر فرض های بنیادین سه نوع سناریوهای پیشین هستند. دگرگونی از طریق تغییر فوق العاده فناورانه یا تغییر معنوی رخ می دهد (خزائی، ۱۳۹۲: ۸۶ و ۸۷).

بر این مبنا و بر اساس یافته های حاصل از اجرای روش تحلیل لایه ای علت ها می توان چهار سناریو^(۶) برای مفهوم خانه متناسب با سبک نوین زندگی شهری ارائه نمود:

- **سناریوی رشد مداوم:** سناریوی برگزیده در این حالت، سناریوی «خانه هوشمند» خواهد بود. با استمرار شرایط موجود و البته رشد فزاینده فناوری، در چنین خانه ای تقریباً فرد به اوج فردگرایی رسیده است و خانه طبق خواسته های فردی تنظیم شده است. در این خانه کاربر مینا^۱، در ساعت دلخواه، طبق برنامه از پیش تعیین شده، خواسته های فردی انجام می شود و شخصی سازی در منتهای خود، قرار می گیرد. تعاملات اجتماعی تقریباً به صفر میل می کند و بر اساس ذائقه هر فرد، تکنولوژی، خانه را برنامه ریزی خواهد کرد. این خانه دقیقاً تکنولوژی مینا و کاربر مینا خواهد بود.

- **سناریوی فروپاشی:** سناریوی طرح ریزی شده در این حالت، سناریوی

«خانه به‌عنوان یک ابر دیجیتال» است. در این حالت، مسائل کلان مطرحه در لایه دوم که ابعاد مختلفی را دربر می‌گرفتند، در راه کارایی به‌منظور حل یا کاهش اثرات خود، موفق نبوده و بروز تناقضات مختلف، خانه را به یک ابر دیجیتال صرف تبدیل کرده که جدای از تأمین بسیاری از نیازهای فردی، تکنولوژی صرفاً در شکل‌دهی به این ابر مجازی کمک کرده و در واقع حالت مدیریت‌نشده و استمرار روندهای کنونی را نشان می‌دهد.

- سناریوی وضعیت باثبات: سناریوی منتخب در این حالت، سناریوی «خانه انسانی» است. در این حالت، خانه در یک مفهوم متوازن و متعادل، ابعاد مختلف زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فناورانه، قانونی و ... را در حالتی متوازن و مطلوب داراست. این خانه به رشد و پرورش ابعاد انسانی فرد بها می‌دهد و خانه متناسب با انسان، واجد یک مفهوم هویت‌بخش و معنادار است. خانه در این حالت، خاطره‌ساز خواهد بود و فرد یک ارتباط عمیق با خانه خود برقرار می‌سازد.

- سناریوی دگرگونی: سناریوی خانه در این حالت، سناریوی «خانه متحرک» است. این خانه از دو بعد درون و بیرون می‌تواند ویژگی متحرک‌بودن و قابلیت جابه‌جایی را داشته باشد. در این نوع خانه، با اینکه متراژ خانه کاهش خواهد یافت، اما به مدد فناوری، فضای بیشتری در خدمت افراد قرار می‌گیرد و با محدودیت فضایی مواجه نیست. مبلمان متحرک، یکی از راهکارهای اصلی مورد استفاده در چنین خانه‌ای خواهد بود. در این حالت، بخشی از خانه تا قسمتی از روز، مخصوص کارکرد خاصی خواهد بود و از آن لحظه به بعد، کارکرد دیگری را خواهد گرفت. از این منظر، فضای خیلی بیشتری در خدمت کاربران قرار خواهد گرفت. در این حالت، خانه‌ای شکل خواهد گرفت که نسبت به وضعیت موجود، فاصله زیادی دارد و به‌کل مفهوم خانه را متحول خواهد ساخت.

نتیجه‌گیری

در سبک نوین زندگی شهری، مسکن لزوماً خانه نیست و بیشتر یک فضای خصوصی است که فرد آن را تجربه می‌کند. در چنین اندیشه‌ای، این پژوهش به

دنبال ارائه آینده‌های بدیل در سبک نوین زندگی شهری از طریق ارائه استعاره‌ها و به تبع آن گفتمان‌های بدیل از مفهوم خانه است. تحلیل لایه‌ای علت‌ها به منظور تعمیق آینده مورد استفاده قرار گرفت و سعی شد تا فضایی برای خلق آینده‌های بدیل و طراحی سناریوهای مؤثرتر، جامع‌تر، عمیق‌تر و بلندمدت‌تر در ارتباط با مفهوم و استعاره خانه ایجاد شود. طبق روش انجام‌شده، گفتمان‌ها، شیوه‌های کسب معرفت و جهان‌بینی‌های مؤثر در شکل‌گیری آینده با هم ادغام و در نتیجه بر غنای تحلیل‌ها در خصوص آینده مفهوم خانه افزوده شد. همچنین سناریونویسی بر پایه شناخت نسبتاً مناسب و عمیق از موضوع و ابعاد آن در وضع موجود و یک افق بلندمدت، در دستور کار قرار گرفت. روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها، تضادها و هماهنگی روایت‌های درونی صاحب‌نظران مورد بررسی را با تصویری که از آینده دارند، روشن می‌سازد. طبق نتایج تحقیق، در سطحی‌ترین لایه که معرف دیدگاه رسمی و پذیرفته‌شده از واقعیت مفهوم خانه است، این مفهوم نشان از یک تغییر ماهوی مفهوم خانه در سبک نوین زندگی دارد. در این سطح، روندهای کمی و مشکلات پیرامون مسئله خانه و مسکن، به‌صورت مبالغه‌آمیز معرفی شده‌اند و نشان از دگرگونی شکل و خصیصه‌های مفهوم خانه دارد. رویدادها و موضوعات کلی در این سطح به‌ظاهر با یکدیگر ارتباطی ندارند؛ برای مثال شیوه آپارتمان‌نشینی و تغییر فرم سکونت. این سطح بیشتر حالت و وضعیت «هشداردهنده»‌ای را ظاهر می‌سازد که نشان از یک وضعیت بحرانی جدی برای بررسی بیشتر می‌دهد. در سطح دوم، علت‌های اجتماعی کلان مورد واکاوی قرار گرفته و عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، فناورانه و سیاست‌گذاری - قانونی مورد تحلیل قرار گرفت. سطح سوم تحلیل لایه‌ای علت‌ها، ساختار، گفتمان و جهان‌بینی پشتیبان مفهوم خانه را تحلیل و به این نتیجه دست یافت که گفتمان جهانی‌سازی و جهان‌بینی مدرنیته از این سازوکار حمایت می‌کنند. در این سطح، فراتر از علت‌های مسبب مفهوم خانه، ساخت موضوع، مورد واکاوی قرار گرفت و گفتمان مسلط، به‌طور ضمنی در تعریف چارچوب موضوع تدوین شد. در لایه چهارم، استعاره‌های خانه مدنظر قرار گرفت. ضمن

اذعان به تغییر مداوم ماهیت و مفهوم خانه متناسب با سبک زندگی، با استمرار روندهای کنونی، مفهوم خانه در آینده‌ای نه‌چندان دور، به این سمت خواهد رفت که فضاهای به نسبت کوچک‌تری را دربر بگیرد و مقیاس خانه در ازای حذف کارکردهای خدماتی (و جایگزینی آن با مکان‌های ارائه این خدمات به‌عنوان مثال فست فود، رستوران و ...) خردتر می‌شود. فضاهای خدماتی داخل خانه به نسبت ابعاد خود خانه نیز کوچک‌تر شده، به‌علاوه با ورود فضای مجازی به خانه‌ها، فضاهای باهم بودن (نظیر فضای نشیمن) کوتاه‌تر یا حذف شده و در عوض، فضاهای خصوصی بزرگ‌تر می‌شوند. علاوه‌بر اینکه خانه به‌صورت یک خوابگاه صرف، نقش ایفا خواهد کرد، افراد درون خانه نیز در تغییر مفهوم خانه در سبک نوین زندگی شهری، به هم‌خوابگاهی تغییر خواهند کرد و تعاملات اجتماعی در داخل خانه نیز بسیار کم‌رنگ خواهد شد. در این حالت، اجتماعی که خود مسبب و خواستار خانه در سبک نوین زندگی و تغییر آن بوده است، به دلیل نزول شدید سطح تعاملات اجتماعی و ابعاد تعادل روحی- روانی انسان در خانه، متضرر خواهد شد. درعین حال، مهم‌ترین استعاره‌های مفهوم خانه در بلندمدت به‌صورت خوش‌بینانه و با تعدیل روندهای کنونی به این صورت قابل تبیین است که خانه از حالت کبریتی و محدود خود خارج شده و با دربرگیری معنای درخور، یک فضای زیستی برای کنار هم بودن تلقی خواهد شد. خانه به لحاظ ابعاد فناورانه، بسیار پیشرفته شده و خواهد توانست، نقش باهمستان در خانواده را ایفا نماید. لذا علاوه‌بر آنکه مکانی برای استراحت است، کار، تفریح و مکانی برای باهم بودن و برقراری بیشتر تعاملات اجتماعی را نیز پشتیبانی نموده و تصویر ذهنی مثبتی را در ذهن افراد ایجاد می‌کند. همچون خانه سنتی که واجد معنا و خاطره‌ساز بود، خانه در آینده نیز، مفهوم یک فضای دارای معنی و خاطره را دربر خواهد گرفت. با دربرگیری معنا، تصویر ذهنی مثبتی برای افراد از مفهوم خانه، ایجاد خواهد شد. آن‌چنان‌که بخشی از بهترین خاطرات افراد، در خانه شکل خواهد گرفت. چنین خانه‌ای در ارتباط کامل با طبیعت قرار خواهد داشت و کارکردهای بیشتری از یک سرپناه صرف را دربر می‌گیرد. این نوع خانه، با توجه به روند رو به افزایش

کسب و کار در فضای الکترونیکی و دورکاری، به دلیل ارتباط بیشتر با طبیعت، در مترای کمتر و با وجود استفاده ۲۴ ساعته حتی در زمان کار، می‌تواند مأمونی مناسب و آرامش‌بخش تلقی شود و کارکرد فراغتی نیز داشته باشد.

در عین حال، یکی از مسائل عمده در وضعیت کنونی شهرسازی در ارتباط با موضوع خانه، این است که شهرسازی وضع حاضر از جهان‌بینی قبلی خود فاصله گرفته است و وضعیت آشفته‌ای دارد. شهرسازی ما فاقد جهان‌بینی است و به‌طور خاص، در ارتباط با مفهوم خانه متناسب با سبک نوین زندگی، گفتمان مشترکی ندارد. به‌عنوان مثال در توسعه مسکن شهری، ادعای مدرن بودن دارد، اما در واقع بیشتر تقلید انجام می‌دهد و در ظاهر مدرنیته را مدنظر قرار داده است. لذا می‌توان گفت بیشتر از اینکه از یک گفتمان خاص تبعیت کند یا سبک خاصی را ایجاد کند، بیشتر تقلید را پیش‌رو گرفته است. بدین‌سان، آینده‌پژوهی بستر مناسبی را برای خلق آینده‌های بدیل با به‌کارگیری استعاره‌های مختلف از خانه در سبک نوین زندگی شهری، فراهم می‌کند و امکان‌گذار از وضع موجود به آینده مطلوب را فراهم می‌سازد. استفاده از تحلیل لایه‌ای علت‌ها و حرکت میان لایه‌ها و درک ابعاد مختلف موضوع، در کنار شناسایی شرح‌های متفاوت از واقعیت و آشنایی با لایه‌های زیرین آن شرح‌ها، درک دیدگاه متکثر و لایه‌های عمیق آن‌ها، علاوه‌بر کمک در دستیابی به فهم مشترک، فضای مناسبی را برای طرح سناریوهای بدیل خلق می‌نماید. تغییر مفهوم خانه و فاصله‌گرفتن آن از معانی هویت‌ساز و تا حدودی در تقابل با مفهوم سنتی آن، به‌عنوان یک آسیب جدی در هر چهار لایه روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها نمایان است.

باید پذیرفت که گریزی از تغییر و تحول مسکن، در طول زمان، با توجه به سبک نوین زندگی شهری نیست؛ ولی سیاست‌گذاران کشور با همکاری متخصصان مسکن، می‌توانند با ارائه و ترویج تصویری از مسکن مطلوب در جامعه، بحران موجود در این حوزه را تا اندازه‌ای کنترل کنند. این برنامه‌ریزی برای شکل دادن به آینده مطلوب مانند دیگر حوزه‌ها، جزء اولویت‌های کلیدی در کشورمان محسوب می‌شود. بر این اساس، تأکید بر موارد زیر به‌عنوان راهبردهای

اصلی مورد نظر پژوهش، ضروری به نظر می‌رسد که مورد توجه خط‌مشی‌گذاران قرار بگیرد:

- توسعه بستر لازم برای سناریوپردازی در زمینه مفهوم «خانه» متناسب با سبک زندگی و گزینه‌های تغییر آن، با تشکیل تیم‌های تخصصی مرتبط و شناسایی نخبگان مؤثر در حوزه، شایسته است در این حالت، به اهمیت تخصص‌گرایی به‌عنوان عاملی مهم در سناریوپردازی توجه شود.

- توجه به سناریوپردازی در برنامه‌های بلندمدت بخش مسکن جهت آمادگی برای مواجهه با تغییرات مفهومی مسکن و برنامه‌های عملیاتی آن و افزایش انعطاف‌پذیری مفهوم خانه در طرح‌های توسعه مسکن.

- توسعه مطالعات و پژوهش‌های بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای در امر مسکن شهری و مفهوم «خانه» متناسب با تحولات در سبک زندگی مردم، با تکیه بر دانش روز دنیا و استفاده از ظرفیت‌های علمی و تخصصی ذی‌ربط در کشور. می‌توان ایده‌های جمع‌آوری شده از پژوهش‌های حاصله در مطالعات مختلف را جمع‌بندی و در پنل‌های تخصصی بررسی کرد تا بهترین سناریوهای محتمل شناسایی شود.

- ارتقا و اصلاح ساختار مدیریت و توسعه مسکن شهری به‌منظور متناسب‌سازی الگوهای مسکن شهری با سبک زندگی با هدف حداکثرسازی رفع نیازهای معاصر مردم در عین حفظ ارزش‌های سنتی خانه.

- آموزش و فرهنگ‌سازی برای مسکن مطلوب در جامعه متناسب با ارزش‌های جامعه و سبک زندگی مردم.

پی‌نوشت‌ها

۱. فرق «خانه» با «مسکن» چیست؟ خانه فراتر از بعد مکانی، با روح و احساس فرد تنیده است (سرائی، ۱۳۹۱: ۲۴). خانه هویت خاص انسان را تحکیم می‌بخشد (محمودی، ۱۳۸۹: ۵) خانه چیزی بیش از مسکن است (قربانی و یزدان‌پور، ۱۳۹۲: ۳). ممکن است نیاز فرد به سرپناه در قالب مسکن اجاره‌ای رفع شود یا یک واحد مسکونی را خریداری کند اما خانه، نوعی ایده و برساخت اجتماعی است، داستانی که درباره کیستی‌مان به خود می‌گوییم و اینکه دوست داریم چه کس و چه چیزهایی را در نزدیک‌ترین فاصله به خودمان داشته باشیم. هیچ مکانی مثل خانه نیست چون خانه در واقع اصلاً یک مکان نیست. اما مسکن، وجودی فیزیکی است. شاید آن را بتوان گوشت و استخوان خانه دانست، اما نمی‌تواند روح خانه را دربرگیرد.
۲. واژه مسکن برگرفته از ریشه سکنی به معنای آرامش یافتن است (گرچی و همکاران، ۱۳۹۳).
۳. سهیل عنایت‌اله (معرفی‌کننده روش CLA) از اصطلاح Deconstructing the future Reconstructing and برای توصیف این روند استفاده می‌نماید.
۴. در مفهوم نوین خانه، ماشین سهم دقیقاً مشخصی دارد (ضوابط مشخص، حداقل ۲۵ مترمربع) که چه‌بسا از سهم هر فرد آن خانه نیز بیشتر باشد.
۵. واژه سناریو به مفهوم چشم‌اندازهای آینده‌های ممکن به کار می‌رود. آینده صرفاً از طریق دو یا چند متغیر تعریف نمی‌شود بلکه از راه پیوندزدن بسیاری از جزئیات، تصویری ملموس‌تر فراهم می‌سازد (سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، ۱۳۹۲: ۱۵۸ و ۱۵۹).
۶. تعداد سناریوها دقیقاً مشخص نیست اما معمولاً بیشتر از دو و کمتر از ده است (پیلکان، ۱۳۹۶: ۱۳۴).

منابع

- آصفی، مازیار و الناز ایمانی (۱۳۹۵). «بازتعریف الگوهای طراحی مسکن مطلوب ایرانی - اسلامی معاصر با ارزیابی کیفی خانه‌های سنتی»، پژوهش‌های معماری اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۱، ۷۵-۵۸.
- اهری، زهرا، اصغر حبیبی، سیدمحسن ارجمندنیا و فرهاد خسروخاور (۱۳۶۷). مسکن حداقل، تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
- الفت، سعیده و آزاده سالمی (۱۳۹۱). «مفهوم سبک زندگی»، مطالعات سبک زندگی، سال اول، شماره ۱، ۳۶-۹.
- الهی‌زاده، محمدحسین و راضیه سیروسی (۱۳۹۳)، «الگوسازی مسکن بر پایه سبک زندگی اسلامی»، سبک زندگی دینی، سال اول، پیش‌شماره ۱، ۵۲-۳۵.
- بندکیتیر، رولاند (۱۳۹۲)، «سبک‌های زندگی»، ترجمه محمدرضا حسن‌زاده، مطالعات سبک زندگی، سال دوم، شماره ۵ و ۶، ۲۱۲-۲۰۱.
- بیات، سجاد (۱۳۹۱)، «سبک زندگی چرا آمد؟»، سوره اندیشه، شماره ۶۴ و ۶۵، ۴۸-۴۶.
- بیدولف، مایک (۱۳۹۲)، مقدمه‌ای بر طراحی نواحی مسکونی، ترجمه محمد باقری، ملیحه هاشمی، تهران: آذرخش.
- پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۹۳)، برنامه‌ریزی مسکن، تهران: سمت.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۷۲)، آشنایی با معماری اسلامی ایران، تدوین غلامحسین معماریان، تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- پیلکان، اولف (۱۳۹۶)، توسعه استراتژی: آینده‌پژوهی و سناریوپردازی، ترجمه وحید خاشعی و مازیار ملکی، تهران: آدینه.
- حسین‌پور، رضا و آزی‌تالایی اسکویی، و محمدعلی کی‌نژاد (۱۳۹۶)، «تبیین سبک زندگی اسلامی (رضوی)؛ راهکارهایی در جهت تداوم آن در جامعه ایران»، فرهنگ رضوی، سال پنجم، شماره ۱۹، ۴۰-۷.
- خزائی، سعید و علیرضا نصرتی و فاطمه تکلوی (۱۳۹۴). «واکاوی پدیده آواتاریسم با روش تحلیل لایه‌های علت‌ها»، چشم‌انداز مدیریت دولتی، شماره ۲۱، ۴۰-۲۷.
- خزائی، سعید و محمدرضا جلیلود، و لیلا نصرالهی وسطی (۱۳۹۲)، «بررسی نظری روش تحلیل لایه‌های علت‌ها در حوزه آینده‌پژوهی»، مطالعات آینده‌پژوهی، سال دوم، شماره ۶، ۱۰۲-۷۱.
- راپاپورت، آموس (۱۳۹۵)، انسان‌شناسی مسکن، ترجمه خسرو افضلیان، چاپ سوم، مشهد: کتابکده کسری.
- رحمانی فیروزجاه، علی و سعیدیه سهرابی (۱۳۹۰)، «رابطه سبک زندگی و دین‌داری از دیدگاه ابن‌خلدون»، پژوهش‌های علم و دین، سال دوم، شماره ۳، ۳۲-۱۷.
- رضوی طوسی، معصومه و فاطمه شعبانی اصل (۱۳۹۱)، «چیستی سبک زندگی»، مطالعات سبک زندگی، سال اول، شماره ۱، ۱۹۰-۱۸۵.
- زرهانی، سیداحمد (۱۳۹۳)، «سبک زندگی»، پیوند، شماره ۴۲۵، ۱۲-۸.

زیاری، کرامت‌الله و ربانی، رامین طاها و ساعدموچشی (۱۳۹۶)، *آینده‌پژوهی؛ پارادایمی نوین در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای (مبانی، مفاهیم، رویکردها و روش‌ها)*، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.

سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (۱۳۹۲)، *روش‌شناسی آینده‌نگاری*، ترجمه سعید خزائی و امیر محمودزاده، اصفهان: علم آفرین.

سراثی، محمدحسین (۱۳۹۱)، «تطور سکونت شهری از مجموعه‌های فامیلی (محل‌های) تا بلوک‌های آپارتمانی (تفاوت‌های اساسی خانه و مسکن در شهر یزد)»، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره ۱۰، ۴۲-۲۳.

شصتی، شیما و فلامکی، محمدمنصور (۱۳۹۳)، «رابطه میان سبک زندگی و مسکن ایرانی با تکیه بر نظریه جامعه کوتاه‌مدت و نظریه راهبرد و سیاست سرزمینی جامعه‌ی ایران»، *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، سال ششم، شماره ۲۳، ۱۳۶-۱۱۷.

شوئکر، برکهارد و تورستن وولف (۱۳۹۳). *برنامه‌ریزی استراتژیک مبتنی بر سناریو (تدوین استراتژی‌ها در دنیای نامطمئن)*، ترجمه محمدحسین بیرامی، تهران: دنیای اقتصاد.

ضمیری، محمدرضا، مهسا ضمیری و مهین نسترن (۱۳۹۴)، «روش‌های کمی در تحلیل توسعه فضایی مسکن شهری بجنورد (۱۳۹۴-۱۳۸۴)»، *مطالعات شهری*، سال پنجم، شماره ۱۷، ۷۵-۶۷.

طباطبایی لطفی، زکیه‌السادات (۱۳۹۲). «کالای مسکن یا خانه‌ی حضور؟ تناظر زندگی و معماران»، *سوره اندیشه*، شماره ۶۹ و ۶۸، ۳۹-۳۵.

علی‌الحسابی، مهران و نعیمه کرانی (۱۳۹۲)، «عوامل تأثیرگذار بر تحول مسکن از گذشته تا آینده»، *مسکن و محیط روستا*، شماره ۱۴۱، ۳۶-۱۹.

عنایت‌الله، سهیل (۱۳۹۵)، *آینده‌پژوهی با روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها*، ترجمه علی‌رضا نصراصفحانی، مریم یوسفیان، مهدی مبصری، جلد اول، تهران: شکیب.

فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۶)، «مدرنیته و مسکن (رویکردی مردم‌نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن)»، *تحقیقات فرهنگی*، سال اول، شماره ۱، ۶۳-۲۵.

فریدمن، آوی (۱۳۹۶)، *مبانی مسکن پایدار*، ترجمه هانی منصورنژاد زیر نظر علی غفاری، مشهد: کتابکده کسری.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۷). «خرده‌فرهنگ‌های اقلیتی و سبک زندگی، روندها و چشم‌اندازها»، *تحقیقات فرهنگی ایران*، سال اول، شماره ۱، ۱۷۴-۱۴۳.

فوشانی، فاطمه و فریبرز دولت‌آبادی (۱۳۹۶)، «تبیین معانی و مفهوم مسکن (خانه) در معماری کنونی»، *مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و شهرسازی ایران معاصر*، تهران: گروه معماری، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی.

قربانی سی‌سخت، پورمند و آناهیتا یزدان‌پور (۱۳۹۲). «کنکاشی بر تأثیر متقابل معماری مسکن بر فرهنگ و هویت در جامعه ایرانی»، *مجموعه مقالات همایش هشتمین*

- معماری و شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار، مشهد: موسسه آموزش عالی خاوران.
- کرامت‌الله‌زاده، عبدالمجید (۱۳۹۵)، نقش استعاره‌های شناختی در آینده‌پژوهی با تحلیل دیدگاه‌های سهیل عنایت‌الله، *آینده‌پژوهی ایران*، سال اول، شماره ۱، ۳۱-۱۵.
- کریمی، مهشید (۱۳۹۶)، «مسکن خوانش‌پذیر تبیین عوامل مؤثر بر خوانش‌پذیری مسکن در جهت ارتقای پیوند ساکن و مسکن»، *معماری اقلیم گرم و خشک*، سال پنجم، شماره ۵، ۳۳-۵۰.
- گرگی ازدریانی، علی‌اکبر، یونس فتحی و محمدحسین رضانی‌قوام (۱۳۹۳). حق بر مسکن مناسب، تهران: جنگل.
- محمودزاده، امیر و شهرام شاکریان و شاهقلی قهفرخی (۱۳۹۲)، *روش‌های تحلیل آینده با رویکردی راهبردی*، اصفهان: پارس ضیاء و علم‌آفرین.
- محمودی مهماندوست، مرتضی (۱۳۹۵)، «معنا در مسکن، بازخوانی روایت مسکن دپروز برای زندگی امروز»، *دو فصلنامه اندیشه معماری*، سال اول، شماره ۲، ۹۸-۱۱۲.
- محمودی، محمدمهدی (۱۳۸۹)، *توسعه مسکن همساز با توسعه پایدار*، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- معصومی اشکوری، سیدحسن (۱۳۸۹)، *راهنمای عملی برنامه‌ریزی و آینده‌پژوهی*، تهران: پیام.
- مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۸۶)، «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی»، *تحقیقات فرهنگی*، سال اول، شماره ۱، ۲۳۰-۱۹۹.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۵)، «مسکن اسلامی، مبانی نظری تا جلوه‌های عینی در گذشته و حال»، *اندیشه معماری*، سال دوم، شماره ۲، ۶۷-۴۷.
- ونتلینگ، جیمز (۱۳۹۴)، *طراحی مسکن بر پایه سبک زندگی*، ترجمه حبیب قاسمی، چاپ دوم، مشهد: کتابکده کسری.
- Giddens, A. (1995). *Modernity and Self Identity: Self and Society in the Late Modern Age*, Stanford University Press.
- Ihsan, S. Inayatullah, S. & Obijiofor, L. (1995). "The futures of communication", *Futures*, Vol.27, No.8, 897-903.
- Inayatullah, S. (1998). "Causal Layered Analysis", *Futures*, Vol.30, No.8, 815-829.
- Inayatullah, S. (2004). The causal layered analysis (CLA) reader, *Theory and Case Studies of an Integrative and Transformative Methodology*.
- Intille, S. (2002). "Designing a Home of the Future", *pervasive computing, Integrated environments, MIT School of Architecture and Planning*
- Intille, S. S. (2002). "Designing a home of the future", *IEEE pervasive computing*, Vol.1, No.2: 76-82.